

# واکاوی فرآیند بلوغ اجتماعی در دوره‌ی اطاعت از دیدگاه آیات و روایات<sup>۱</sup>

صادق مشنکاتی (نویسنده مسئول)<sup>۲</sup>

فاضل حسامی<sup>۳</sup>

## چکیده

پدیده‌ی بلوغ، از نیازهای بایسته و برجسته در هر جامعه شمرده می‌شود. در این میان بلوغ اجتماعی برای فرد، خانواده و جامعه سرنوشت‌ساز است؛ زیرا بلوغ اجتماعی به‌مانند فرآیندی است که در آن افراد با کسب باورها، هنجارها، مهارت‌ها، توانایی و استعداد رویارویی با زیستگاه اجتماعی را کسب می‌کنند و می‌توانند مسئولیت‌ها و نقش‌های اجتماعی را بدون اتکا به دیگران انجام دهند. از این رو نوشتار پیش رو با روش توصیفی-تحلیلی درصدد واکاوی فرآیند بلوغ اجتماعی در دوره‌ی اطاعت؛ یعنی هفت سال دوم زندگی است؛ زیرا این دوره، پایه و بنیان شخصیت کودک در آینده است که به‌خودی‌خود در پیوند با شکوفایی بلوغ اجتماعی نقش ویژه و برجسته‌ای دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، در دوره‌ی اطاعت، تربیت اجتماعی کودک و آشنایی وی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی امکان‌پذیر است که با توجه به فرآیند بلوغ اجتماعی در این دوره بایسته است، کودک بسته به نقش‌های اجتماعی جامعه‌پذیر گردد و مهارت‌های زندگی را بیاموزد. برآیند این امر، نخست ورود موفقیت‌آمیز به گام بعدی رشد و بالفعل شدن توانایی‌های اجتماعی و دوم تحقق بلوغ اجتماعی در دوره جوانی است که این کار به ازدواج بهنگام و دیگر مسئولیت‌های اجتماعی می‌انجامد.

واژه‌های کلیدی: بلوغ اجتماعی، اجتماعی شدن، اطاعت، کودک.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۸

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران؛ meshkati@rihu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری قرآن و علوم اجتماعی، عضو گروه مطالعات اجتماعی، جامعه المصطفی، قم، ایران؛

## مقدمه

سال‌های آغازین حیات هر فردی بدون شك از برجسته‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی است؛ زیرا در این زمان پایه و اساس شخصیت هر انسانی بنا نهاده می‌شود. شاید در گذشته چنین انگاشته می‌شد که کودک در سنین طفولیت، تنها نیازمند نگرورزی و تیمار جسمانی است و پرورش اجتماعی، عاطفی و... همچون يك کارگزار تعیین‌کننده در تربیت کودک، چندان مورد نگرش قرار نمی‌گرفت؛ اما امروزه این راستی‌نگی به کارآزمایی ثابت شده است که کودک در همه‌ی گام‌های رشد و بلوغ، نه تنها به تیمار کامل جسمانی نیاز دارد؛ بلکه در به فعلیت رساندن توانایی‌ها و استعداد‌های اجتماعی، نیازمند اجتماعی کردن به گونه‌ی برجسته‌ی خود است.

در دین مبین اسلام در این باره روایاتی در قالب دو گام تربیتی و یا سه دوره‌ی تربیتی بیان شده، که نوشتار پیش رو، روایت سه پله‌ای را در بلوغ اجتماعی فرزندان مورد توجه قرار داده که عبارت است: «الْوَلَدُ سَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ق، ص ۲۷۶). هر کدام از این دوره‌های سه‌گانه، دارای بازه‌های زمانی سیادت (از تولد تا ۷ سالگی)، اطاعت (از ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی) و وزارت (از ۱۴ سالگی تا ۲۱ سالگی) است که می‌توانند همچون يك راهنمای عملی و تربیتی باشند. دوره‌هایی که هر کدام ویژگی‌ها و خصوصیات هماهنگ با شرایط سنی فرزندان دارند، که اگر به گونه‌ی درست و دلخواه مورد توجه قرار گیرند، بدین‌سان می‌توان در آینده فرزندان مسئولیت‌پذیر و توانمند در ایفای نقش‌های اجتماعی داشت.

نخستین دوره، دوره‌ی سیادت و آقایی کودک است که ویژگی‌ها و فرآیند برجسته‌ای دارد. دومین دوره که در لسان روایات تعبیر به اطاعت شده است، همچون یکی از گام‌های مهین و کارساز در بلوغ اجتماعی در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا در این دوره کودک با توجه به رشد شناختی و اجتماعی برای دریافت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی آمادگی بایسته را دارد. در این دوره اگر رشد اجتماعی کودک از سوی والدین و مربیان مورد توجه قرار گیرد، قابلیت‌های اجتماعی وی در راستای بلوغ اجتماعی بالفعل می‌گردد. به این معنا که فرد به هویت و استقلال می‌رسد، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را می‌پذیرد و در ایفای نقش‌های اجتماعی توانمند عمل می‌کند (نلسون، ۱۳۸۴، ص ۳۶). حال با توجه به ارزشمندی و بایستگی پدیده‌ی بلوغ اجتماعی در پیوستگی موفقیت‌آمیز حیات اجتماعی و خوشبختی زندگی انسانی که در همه‌ی جوامع مورد توجه قرار می‌گیرد، محقق درصدد است تا در نوشتار پیش رو، فرآیند بلوغ اجتماعی را در طول بازه‌های زمانی سه‌گانه به گونه‌ی مجزا از هم از دیدگاه آیات و روایات مورد بررسی و تبیین قرار دهد. سودمندی برجسته‌ی این پژوهش آنست که با به دست دادن مفهومی از بلوغ اجتماعی نشان می‌دهد که یکی از زمینه‌های مهین و کارآمد در فرآیند بلوغ اجتماعی، دوره اطاعت است که چنانچه هدایت و تدبیر درست فرزندان به درستی انجام پذیرد، می‌تواند برای وظایف و مسئولیت‌های دوره بزرگسالی از جمله ازدواج، انتخاب شغل و... آماده گردند.



پیرامون پیشینه پژوهش نیز باید گفت که پژوهشگران دیگری، برخی از ابعاد پرسمان مورد اشاره را از زوایای دیگر و ناهمگونی مورد توجه قرار داده‌اند. از جمله: آذربایجانی و شجاعی (۱۴۰۰) با عنوان «روان‌شناسی در نهج‌البلاغه» که معنای زندگی، رشد در گستره‌ی زندگی، خانواده، بهداشت روانی و... را درنگر آورده‌اند. شجاعی (۱۳۹۹) با عنوان «نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی» که فرآیند دگرگونی روانی را از شیرخوارگی (از تولد تا دوسالگی) تا کهن‌سالی (از ۷۵ سالگی به بعد) واکاوی و تبیین نموده است. غلامحسین شکوهی (۱۳۶۸) با عنوان «ماهیت مراحل رشد و فلسفه دوره‌های تحصیلی» افزون بر نگرش به فلسفه‌ی دوره کودکی، نوجوانی و جوانی، دوره‌های تحصیلی را با توجه به گام‌های رشد تبیین کرده‌اند. محمدی (۱۳۷۵) در پژوهش خود با عنوان «بررسی تربیت اجتماعی از دیدگاه نهج‌البلاغه» روش عبرت‌آموزی را یکی از روش‌های دلخواه امام علی علیه السلام بیان کرده است. با این وجود، پژوهش پیش‌رو با هیچ‌یک از تحقیقات گذشته همخوانی کامل ندارد و از چند جهت ناهمسان است. در پژوهش‌های یاد شده، تنها به گام‌های عام رشد، فلسفه تعلیم و تربیت و گام‌های رشد اخلاقی و روانی توجه شده است. در همان هنگام است که پژوهشگر در پژوهش کنونی، فرآیند بلوغ اجتماعی را که تاکنون همچون یک پرسمان مستقل بدان پرداخته نشده است را در دوره‌های تربیتی ناهمسان (سیادت، اطاعت، وزرات) به شکل مجزا مورد توجه قرار داده که نوشتار کنونی تنها دربردارنده دوره‌ی اطاعت است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. بلوغ اجتماعی<sup>۱</sup>

بلوغ بر وزن فعل از ریشه‌ی بلغ به معنای رسیدن و نمو کردن است (حسینی زببندی، ۱۴۱۴، ص ۷-۱۲). روان‌شناسان بلوغ را به معنای پختگی، نقطه‌ی اوج حافظه، درک مفاهیم اخلاقی و کمال پشتکار دانسته (ال اتکینسون، ۱۳۷۸، ص ۱۳۲) و به گونه‌های بسیاری، همانند بلوغ جنسی، بلوغ عاطفی، بلوغ اجتماعی و... اشاره نموده‌اند. یکی از برجسته‌ترین گونه‌های بلوغ، بلوغ اجتماعی است؛ بلوغ اجتماعی به این معناست که فرد بتواند با اتکا به خود و بدون یاری گرفتن از دیگران، از عهده‌ی انجام کارهای خود در ایستارها و جایگاه‌های اجتماعی گوناگون برآید (احمدوند، ۱۳۹۹، ص ۲۱۷). همچنین در شناسه‌ای دیگر، بلوغ اجتماعی به مانند فرآیندی آمده است که در آن افراد با کسب باورها، هنجارها و مهارت‌ها، توانایی و استعداد رویارویی با زیستگاه اجتماعی در حال پیشرفت را خواهند داشت؛ بنابراین بلوغ اجتماعی نه ساخته‌ی هنجارهای بیرونی و نه برآمده از الهامات درونی؛ بلکه این

1. Social maturity



پدیده دستاورد کیفیت پیوندهای دوسویه‌ی اجتماعی است که بر اثر هم‌کنش فرد با فرهنگ خویش (کریمی، ۱۳۸۵، ص ۴۰) و در بستر زندگی اجتماعی پدید می‌آید؛ از این رو می‌توان گفت که بلوغ اجتماعی، به‌راستی یکی از جنبه‌های ارزشمند دگرگونی و نمود بهینه‌ی اجتماعی شدن است (شکرالله‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۹۵).

## ۱-۲. اجتماعی شدن<sup>۱</sup>

اجتماعی شدن فرآیندی است که طی آن کودک ناتوان اندک اندک به شخصی خودآگاه، دانا و ورزیده در شیوه‌های فرهنگی که در آن زاده شده، دگرگون می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۳، ص ۸۶). در شناسه‌ای دیگر، اجتماعی شدن آن دسته از کنش‌های دوسویه‌ای است که سبب می‌شود تا افراد، مؤلفه‌های بنیادین شخصیت را که برای مشارکتشان در جامعه بایسته است به دست آورند (ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۸۱)؛ بنابراین اجتماعی شدن، فرآیندی است که از راه آن کودکان رفتارها، نگرش‌ها و چشمداشت‌هایی که جامعه یا فرهنگ از آنها دارد را می‌آموزند (وید، کرول و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۵۱۴).

## ۲. دیدگاه‌های رشد اجتماعی

### ۲-۱. از دیدگاه متون اسلامی

گام‌های رشد انسان دربرگیرنده‌ی دوره‌های پیش از زادروز، کودکی، نوجوانی، جوانی، میان‌سالی و پیری است که به فرآیند یاد شده در آیات و روایات اشاراتی شده است. خداوند متعال در آیه‌ی ۶۷ سوره‌ی غافر چهار گام نخست زندگی را که وابسته به آفرینش است را با تعبیر «خَلَقَكُمْ» بیان نموده که اشاره دارد به اینکه در این گام‌ها انسان‌ها خود نقشی ندارند؛ ولی در سه گام بعد از زادروز؛ یعنی گام رسیدن به پایان قوت جسمانی و بعد از آن پیری و بعد پایان زندگی، تعبیر به «تَبْلُغُوا (تا برسید) و لَتَكُونُوا (تا بوده باشید) کرده است تا نشان دهد هم انسان‌ها در این گام‌ها استقلال وجودی دارند و هم اشاره‌ای است به این گفتار که هر يك از این دوره‌های سه‌گانه می‌توانند دستخوش حسن تدبیر و یا سوء تدبیر قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۲۰، ص ۱۶۶). در آیه‌ای دیگر نیز خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا» (نوح، آیه ۱۴)، این آیه دلالت دارد بر اینکه موجود انسانی آفرینش‌های گوناگونی دارد. این موجود انسانی بعد از طی گام‌هایی در يك دوره و زمان برگزیده از مادر زاده می‌گردد و پای بر جهان هستی می‌گذارد. قرآن کریم ویژگی این گام را این‌چنین بیان می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا» (نحل، آیه ۷۸)، آیه یاد شده آشکار می‌سازد که انسان در این دوره، هیچ‌گونه توانایی بالفعلی برای پایداری خویش ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۳، ج ۱۱، ص ۳۶۷)؛ بلکه برای



رشد و پویایی درونداشت‌های خویش در راستای زمان، نیازمند به سازه‌ها، شرایط و... است. از این روی در سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء آمده است: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» (اسراء، آیه ۲۴)، در این آیه عبارت «رَبَّيْنِي صَغِيرًا» دلالت بر نخستین پیوند اجتماعی (قرشی بنایی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۵۸) و به‌گونه‌ای تربیت‌پذیری کودک همچون موجودی اجتماعی بعد از زادروز، برای به رشد درآوردن استعدادها و درونداشت‌هایش دارد؛ بنابراین بالفعل شدن درونداشت‌های اجتماعی کودک از هنگام زاده شده، بایسته است که این مهم، به‌آهستگی و در راستای دوره‌های زمانی گوناگون تحقق می‌پذیرد؛ به‌گونه‌ای که هر یک از این گام‌ها، ملازم با اقتضائات و ویژگی‌هایی است که اگر به‌گونه‌ی شایسته مورد توجه قرار گیرد، کودک در دوره‌ی جوانی به بلوغ اجتماعی می‌رسد. برای نمونه در قرآن کریم گام بعد از کودکی با عنوان «قوت» تعبیر شده است: «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ صَعْفٍ قُوَّةً» (روم، آیه ۵۴). این بیان که به‌گونه‌ی مطلق آمده، می‌تواند بیانگر این گفتار باشد که وانگهی اینکه طفل گام‌های رشد تکوینی خویش را طی می‌کند و به گام قوت می‌رسد، اگر زمینه‌ها، شرایط و سازه‌ها، درست به فعلیت رسیده باشند، از دیدگاه اجتماعی، جوان در این گام به‌گونه‌ای شایسته، نقش‌ها و مسئولیت‌های اجتماعی خویش را فراگرفته است؛ بنابراین انسان در آفرینش خویش همه‌ی پالش‌های وابسته با زندگی اجتماعی را به‌گونه‌ی نگارش شده با خود به همراه ندارد (شکوهی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۵). کودک برای راهیابی موفقیت‌آمیز در جامعه باید آمادگی کسب کند و کارآزمایی‌های درست زندگی را بیاموزد. فرآیند آماده شدن افراد برای عهده‌دار شدن مسئولیت‌های اجتماعی را می‌توان در این روایت گران‌بهای پیامبر گرامی اسلام نگریست: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ» (ابن بابویه، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۳۱۸)، روایت یاد شده پویایی درونداشت‌های کودک را در چهارچوب سه دوره نمایش می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که با گذار از هر دوره با اقتضائات برجسته‌ی هر یک، سرانجام وارد دوره‌ی الزام و استخدام؛ یعنی دوران کارآموزی و کارآزمایی زندگی می‌شود (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۳). در روایتی دیگر نیز از امیرالمؤمنین علی علیه السلام با همین درونمایه به فرآیند رشد کودک اشاره شده است. ایشان می‌فرمایند: «کودک، هفت سال پرورش یابد، هفت سال ادب‌آموزی گردد و هفت سال به خدمت درآید» (ابن بابویه، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۹۳). همان‌گونه که می‌نگرید، در این روایت نیز به فرآیندی در پیوند با رشد فرزند اشاره شده است که از پرورش وی آغاز و به گام کنشگری و بکارگیری می‌انجامد. در این باب هرچند روایات گوناگونی بیان شده است که دربرگیرنده‌ی دوره‌های دو یا سه گامی از رشد است؛ اما روح پرسمان که فرآیندی بودن تربیت و آماده شدن کودک برای پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی باشد، در سراسر هر یک از روایات مشهود است.

## ۲-۲. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی

متفکران متقدم در این باب گاه به‌گونه‌ی مستقیم و گاه غیرمستقیم اندیشه‌ورزی نموده‌اند. ازجمله



می‌توان اخوان‌الصفاء (قرن سوم هجری) را نام برد. این گروه، زیست جمعی را در ماندگاری زندگی و رسیدن به شایستگی‌ها، بایسته تلقی نموده و باور دارد که کمالات اخروی انسان در گرو زندگی اجتماعی است. (اخوان‌الصفاء، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۴۰-۱۳۰) این گروه بعد از تفلسف در پیوند با اجتماعی بودن انسان در قالب تمثیلی، نکته‌ی برجسته‌ای را یادآور می‌گردند که شماری از انسان‌های مؤمن و صالح، بر اثر غرق شدن کشتی به جزیره‌ای رسیدند که اهل آن را افراد فاسق، فاجر و دلبسته به شهوت نفسانی تشکیل می‌دادند. سرانجام این افراد بر اثر مجالست با گروه نو و زندگی با آنان، حالت نو به خود گرفته و همانند آنان شدند. این گفتار دلالت دارد که این گروه باورمند به اجتماعی شدن افراد جامعه در پرتو گروه‌های اولیه و ثانویه هستند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۵، ص ۸۱)؛ بنابراین می‌توان این‌گونه دریافت که توانمند بودن یا نبودن جوان در انجام نقش‌های اجتماعی، مشروط به چگونگی تأثیرپذیریش از گروه‌های جامعه است.

غزالی از اندیشمندان قرن پنجم نیز تربیت را امری اکتسابی می‌داند. وی می‌گوید: دل کودک قابل به همه نقش‌ها و گونه‌هاست. پس اگر بر خیر رشد نمود، نشو او بر آن باشد و اگر بر شر عادت نمود، بدبخت می‌گردد. (غزالی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۱۹۷). ابن خلدون (۷۲۳ ه.ق) نیز در این پیوستگی باور دارد که فرهنگ در فرآیند جامعه‌پذیری، سرشت ثانوی فرد می‌شود که جز آن هویتی ندارد و یا اگر هم داشته باشد، بسیار کم‌رنگ و در اندازه‌ی قوه و استعداد است (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶). وی فرآیند جامعه‌پذیری را به دو گونه مطرح می‌کند: الف) تقلید ب) تجربه‌ی شخصی. ابن خلدون برای تقلید ارزشی برتر قائل است و بیان می‌دارد: «لیکن هر که به این روش پی نبرد و از تقلید کردن غفلت ورزید، باید در راه تربیت خویش به شیوه‌ی تجربه‌اندوزی رنجی دراز تحمل کند» (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶). ایشان این چنین برداشت می‌کند که انسان فرزند خوگیری‌ها و دمسازهای خویش است و نه فرزند سرشت و مزاج خویش و آنچه در شرایط، اوضاع و احوال گوناگون به آن انس گیرد تا اندازه‌ای که خوی، ملکه و منش او شود، سرانجام همان جانشین طبیعت و سرشت او می‌شود (ابن خلدون، ۱۳۶۹، ص ۲۳۶). خواجه نصیرالدین طوسی (قرن هفتم هجری) برای این منظور در کتاب اخلاق ناصری به پدران و مادران سفارش می‌کند که از همان آغاز کودکان خود را به کار و پویایی وادارند تا با سردی و گرمی زندگی اجتماعی آشنا شده و از این راه در بزرگسالی برای زندگی اجتماعی آمادگی داشته باشند (طوسی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۴)؛ زیرا زندگی اجتماعی دارای فوت و فن ویژه‌ای است. هرکسی نمی‌تواند در این میدان کامیاب شود، مگر آنکه به ویژگی‌های زندگی اجتماعی آشنا شده باشد (رشیدپور، ۱۳۶۵، ص ۲۷).

ملاصدرا فیلسوف و حکیم قرن دهم نیز اشاراتی در باب فرآیند تربیت انسانی دارد. از دیدگاه ملاصدرا قوه و فعل با هم حرکت می‌کنند و درجات فرهیختگی را می‌پیمایند و در پله‌های فرازمندی دگرگونی می‌یابند. در برابر هر درونداشتی، فعلیت ویژه‌ای است و روبروی هر بدنی، نفسی معین. پس



محال است نفسی که درجات نباتی و حیوانی را گذرانیده، دوباره به گام پیشین بازگردد و تا هنگامی که جنین در رحم است، گونه‌اش از جایگاه نفس نباتی تجاوز نمی‌کند (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۹۱۳). بر این بنیان در هر يك از گام‌های شکل‌گیری نفس، ساخت و عملکرد ویژه‌ای وجود دارد که نیازمند برنامه‌های تربیتی درخور است. با این فرانمود می‌توان گفت که برای رسیدن به بلوغ اجتماعی، اقتضانات هر يك از دوره‌های رشد باید درنگریسته شود. برای نمونه نفس کودک در گامی ویژه تنها توان درک عینیات را دارد و نمی‌تواند کارهای انتزاعی را بفهمد. حال اگر در این گام درونداشته‌ها و توانایی‌های برگزیده‌ی کودک به‌گونه‌ای شایسته پرورش پیدا نکند، زمینه‌ی مساعد برای ورود به گام‌های بعدی با چالش‌های جدی روبرو خواهد شود (بابازاده و نوروزی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۶).

اندیشمندان متأخر نیز در این باب اندیشه‌ها و دیدگاه‌های برجسته‌ای دارند که به فراخور پرسمان پژوهش به چند نمونه اشاره می‌شود. علامه طباطبایی در پیوند فرد و جامعه، نیرو و پشتکار جامعه را نیرومندتر از نیروی فردی می‌داند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۴-۱۵۳). علامه در فرانمود چرایی تأثیرپذیری فرد از جامعه به ویژگی الگوپذیری فرد از نزدیکان اشاره می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۱۷) که برآیند این چالش می‌تواند هم شکوفایی درونداشته‌های فردی باشد (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۳) و هم از دید اجتماعی مسئولیت‌پذیر می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۵۴) شهید مطهری نیز در این باب باورمند است که انسان هر چند کوشش‌های خویش را برای ارضای يك دلبستگی انجام می‌دهد؛ ولی در برخی از افعال آشکارا خود فعل را نمی‌خواهد؛ بلکه بسا هست که مقرون به رنج است و اما آن فعل، انسان را به يك مقصود پایانی نزدیک می‌کند. در این‌گونه افعال بایسته است که سودمندی بهنجار آنها را بداند و قوانین و هنجارهای درست آنها را فهم کند تا آنها را به‌گونه‌ای انجام دهد که به برآیند دلخواه؛ یعنی چیزی که آشکارا آسایش و آرامش خاطر را فراهم می‌کند و يك دلبستگی را خشنود می‌سازد برسد. در این‌گونه کارها، راهنمای انسان تنها فکر و اندیشه است و از این رو باید از راه کارآزمایی، تعقل، تعلیم و تعلم به دست آید (مطهری، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۱۹۸)؛ بنابراین آدمی چون به‌گونه‌ی نهادی چالش‌های زندگی را نمی‌داند و نمی‌تواند سرنوشت خویش را یک‌باره تحقق بخشد، کامیابی‌اش در میدان جامعه، بستگی دارد که سازه‌های تربیتی تا چه اندازه توانسته‌اند امکانات بالقوه وی را بالفعل نمایند (شکوہی، ۱۳۶۶، ص ۲۵۵).

### ۳. فرآیند بلوغ اجتماعی در دوره اطاعت (از ۷ سالگی تا ۱۴ سالگی)

#### ۳-۱. گونه‌های اطاعت

با ورود کودک به سن هفت سالگی دوره نوینی از زندگی و رشد اجتماعی وی آغاز می‌گردد که از دیدگاه اسلام یکی از برجسته‌ترین و کارآمدترین گام‌های تربیت کودک بشمار می‌رود. کسب ویژگی‌ها تازه، کودک را آماده‌ی ورود به دوره‌ی اطاعت می‌سازد. در این زمان اگر فرزندان دوره‌ی سیادت خویش

را به‌خوبی سپری کرده و از امنیت و آزادی بایسته در آن دوره برخوردار بوده باشند، آماده برای راهیابی به گام تأدیب هستند. در این گام تکلیف و الزام فرزندان به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی موضوعیت می‌یابد. اگرچه این امر به معنای یکسان‌نگاری بسته به دل‌بستگی‌ها و انگیزه‌های کودکان نیست؛ بلکه بدان معناست که کودک باید خود را موظف احساس کند و بداند اگر تن به تکالیف ندهد، با الزام‌هایی روبرو خواهد شد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶-۲۵۸)، الزام‌هایی که در راستای پرورش و سازش اجتماعی کودکان برای راهیابی موفقیت‌آمیز ایشان در جامعه است (باقری، ۱۳۸۸، ص ۱۷)؛ بنابراین افزون بر ارزش و بایستگی اطاعت‌پذیری فرزندان و پیوند این کار با آینده زندگی اجتماعی ایشان؛ در این باب نمی‌توان قائل به هرگونه اطاعت‌پذیری و یا هرگونه تربیت اجتماعی شد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶). نادیده‌انگاری و ناآگاهی از گونه‌ی اطاعتی که به بلوغ اجتماعی فرزندان بینجامد، زمینه‌ی چالش‌ها و دشواری‌ها در پیوند با ایشان و جامعه است.

### ۳-۲. اطاعت ممدوح

خداوند متعال در نکوهش اکراه و اجبار می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره، آیه ۲۵۶). در پیوند با آیه‌ی یاد شده، علامه طباطبایی بر این باور است که اگر این آیه یک قضیه‌ی اخباری باشد، از آن يك حکم دینی به دست می‌آید و آن این است که در دین و باور هیچ اکراه و اجباری نیست و اگر يك قضیه انشایی باشد و برای تشریح و قانون‌گذاری یادآوری شده باشد «که این‌گونه است» بدین معناست که دیگران را از روی اکراه و اجبار به ایمان و دیدگاه وادار نکنید و این نهی متکی به يك حقیقت تکوینی است و آن این است که اکراه و اجبار تنها در افعال بدنی و ظاهری کارآمد است و نه در امور اعتقادی (طباطبایی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۸۴) و تربیتی.

از این دیدگاه شخصیت انسان مستقل است و روح اطاعت‌پذیری محض ندارد. موجود انسانی با هرگونه تحمیل و اجباری که روح استقلال‌طلبی و آزادی وی را تحت‌الشعاع قرار دهد به ناسازگاری برمی‌خیزد. این پالش در پیوند با تربیت اجتماعی کودک که به‌آهستگی زیستگاه کوچک خانواده را ترك می‌کند و درون زیستگاه اجتماعی بزرگ‌تر و پیچیده‌ای بنام جامعه می‌شود، ارزش بسزایی دارد؛ زیرا در این بازه‌ی زمانی نیاز به آشنایی و فراگیری هنجارها و مقررات اجتماعی، نقش‌های اجتماعی و نیز شیوه‌ی هم‌کنشی و رفت و آمد با یک‌دیگر جامعه موضوعیت می‌یابد که بایسته است در این نکات، فرزند فرمانبری و اطاعت از راهنمای‌های والدین و مربیان را داشته باشد؛ اما این مهم در صورتی ممدوح است که کودک افزون بر اطاعت از والدین و دیگر مربیان، شخصیت پویا و مستقلش قربانی اوامر و نواهی بیجا و بدون وابستگی با رشد وی نشود (قائمی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵)؛ بنابراین اطاعت ممدوح اطاعتی است که در راستای درونی کردن مؤلفه‌های رشد اجتماعی فرزند برای راهیابی موفقیت‌آمیز وی در میدان جامعه است و از این دیدگاه شخصیت و آزادی کودک در هم‌کنشی با والدین و نهادهای





تربیتی دیگر نگاهداشته باقی می‌ماند و دنباله‌رو محض در نظر گرفته نمی‌شود. پیامبر گرامی اسلام در این باره می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَالتَّأَلُّفِ لَهُ وَتَعْلِيمِهِ وَتَأْدِيبِهِ» (نوری، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۶۲۶). روایت یاد شده تلاش والدین در امر تأدیب و تعلیم را مورد نگرش قرار داده و با قید «اعان» به‌گونه‌ای نشان می‌دهد که والدین باید در کنار فرزندان، یاور و راهنمای ایشان باشند و نه اینکه شخصیت آنها را سلب نموده و با تحمیل و اجبار آنها را وادار به اطاعت و فرمانبری نمایند.

### ۳-۳. اطاعت مذموم

اسلام آموزش‌های رسمی به کودکان را در هفت سال دوم مطرح کرده و در این گام از کودک می‌خواهد به برخی از دستورات بنگرد، وگرنه والدین باید از او بازخواست نمایند. هر چند اگر دوران هفت سال دوم را دوره اطاعت نامیده‌اند، بدین معنا نیست که والدین می‌توانند با دیکتاتوری مطلق همه‌چیز را بر کودک تحمیل نمایند و یا فرزندان ناچار باشند، آنچه والدین می‌گویند را با اجبار و اکراه به اجرا درآورند و به همه‌ی دستورات آنها جامه عمل بپوشانند (قائمی، ۱۳۷۹، ص ۱۷۵). اگر شخصیت مستقل و روحیه‌ی پویای فرزندان از سوی والدین و مربیان سلب گردد؛ به‌گونه‌ای که نتوانند به آن دسته از ارزش‌ها، سنن، عادات و رسوم، هنجارها و مقرراتی که مفید به حال آینده ایشان نیست و یا به‌راستی نادرست است، واخواهی، اندیشه و نکوهش کنند، هیچ‌گاه فرد و جامعه روی اصلاح را به خود نخواهد دید (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱)؛ ازاین‌رو اطاعت نکوهیده اطاعتی است که شخصیت مستقل فرزندان را سلب می‌کند و یا آنها را وادار به فراگیری کارهایی می‌نماید که مفید حال ایشان در زندگی اجتماعی نیست. در این باره امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ خَيْرَ الْقَوْلِ مَا نَفَعَ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لِأَخَيْرٍ فِي عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ، وَلَا يُنْتَفَعُ بِعِلْمٍ لَا يَحِقُّ تَعَلُّمُهُ» (نهج البلاغه، نامه ۳۱). از بیان یاد شده در پیوستگی با تربیت و رشد اجتماعی فرزندان، این‌گونه می‌توان برداشت کرد که بایسته است برای آینده بهتر کودکان، از علم و راهنمایی‌هایی بهره‌گیریم که سودی برای ایشان داشته باشد؛ زیرا آموزش و راهنمایی‌های غیر مفید می‌تواند گذرگاه زندگی فرزندان را به سوی سوق دهد که بلوغ اجتماعی ایشان را دچار چالش و یا درنگ نماید. به گفته‌ی دیگر اگر شخصیت مستقل کودکان در فرآیند بلوغ اجتماعی نادیده انگاشته شود و والدین و مربیان فرازمندی کودک را در اطاعت و فرمانبری محض وی ببینند، در آینده همواره دنباله‌رو و بدون خلاقیت و مهارت در زندگی اجتماعی باقی خواهند ماند.

### ۴. فرآیند بلوغ اجتماعی در دوره اطاعت

رشد انسان از گام کودکی آغاز و تا زمان پاستگی حیات ادامه دارد. در هر يك از این گام‌ها ویژگی‌ها و انگیزه‌های برجسته‌ای نهفته است. برای نمونه در گام کودکی، سستی در استدلال و ورزشی، و چیرگی خودمحوری، کودک را به‌گونه‌ای بهنجار به بازی کردن و آزادی سوق می‌داد. در دوره‌ی سیادت به سبب ناکافی بودن رشد شناختی و اجتماعی کودک، تربیت اجتماعی وی بیشتر به شکل غیرمستقیم

دنبال می‌شد. در دوره دوم که بر پایه‌ی روایات از هفت سالگی آغاز می‌گردد، کودک وارد گامی نو و ناهمسان از رشد می‌شود که فرآیند و ویژگی‌های برجسته‌ی خود را دارد. خداوند متعال در پیوند با ناهمگونی در فرآیند رشد انسان در قرآن کریم می‌فرماید: «... ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ» (حج، آیه ۵) «... سپس شما را به‌سان کودکی بیرون می‌آوریم، آنگاه شما را پرورش می‌دهیم تا به کمال رشد برسید، جان برخی از شما گرفته می‌شود و بعضی از شما را به پست‌ترین گام زندگی می‌رسانیم». منطق ناهمسان بودن گام‌های عام رشد آدمی که در این آیه مطرح شده است، ایجاب می‌کند که در گام‌های جزئی‌تر رشد و در پیوند با رشد اجتماعی کودک در دوره‌ی اطاعت قائل به فرآیندی شویم. فرآیند دوره‌ی اطاعت همچون گامی از رشد اجتماعی کودک با نگرش به آیه‌ی ۵۸ سوره‌ی نور قابل برداشت است؛ زیرا در این آیه دستور می‌دهد، فرزندان که هنوز به سن بلوغ و احتلام نرسیده‌اند، در سه وعده که زمان خلوت والدین است، باید اجازه بگیرند. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ». در تفسیر این آیه فرموده‌اند که کودک پیش از سن بلوغ و احتلام به گام تمییز می‌رسد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱، ص ۱۶۳)، گامی که بر پایه‌ی روایات معصومین علیهم‌السلام (ابن بابویه، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۴۹۳/ ابن بابویه، ۱۳۹۰ ق، ج ۳، ص ۳۱۸) انطباق با دوره‌ی آموزش و تأدیب دارد (آذربایجانی، ۱۳۹۴، ص ۳۱)؛ یعنی دوره‌ای که کودک ممیز شده و به توانایی تشخیص خوب و بد، درک ناهمگونی‌های جنسیتی و آمادگی برای آموزش رسمی دست می‌یابد (شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵). در این راستا دوره‌ی اطاعت را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد. یکی دوره‌ی تمییز و دیگری دوره‌ای که به بلوغ و احتلام در پایان کودکی و آستانه‌ی نوجوانی می‌انجامد. بخش‌بندی بالا، الزامات و ابزارهای تربیتی ناهمسانی را در پیوند با بلوغ اجتماعی فرزندان ایجاد می‌کند؛ زیرا از یک‌سو در دوره‌ی تمییز توانای درک و فهم کودکان افزایش چشمگیر می‌یابد، به‌گونه‌ای که در این زمان سرعت یادگیری آن‌چنان بالاست که هرچه به کودک آموزش داده شود، آن را بی‌درنگ می‌آموزد (شجاعی، ۱۳۹۹، ص ۱۴۵) و از سوی دیگر کودک در آستانه‌ی بلوغ، دچار دگرگونی‌های جسمی، روانی و اجتماعی برجسته‌ای می‌شود که شیوه‌ی رویارویی و آموزش‌های گوناگونی را درخواست می‌کند.

در دوره‌ی نخست اطاعت، اگر فرآیند رشد به‌گونه‌ی شایسته و دلخواه سپری و تدابیر تربیتی به‌درستی درونی و نهادینه شده باشد، کودکان دلبسته به علم‌آموزی و زندگی اجتماعی می‌شوند (سلیمان‌نژاد و سودی، ۱۳۹۳، ص ۸۶-۸۵) در این زمان بستر وجودی کودکان برای آشنایی با مزایا و کران‌مندهای زندگی اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آنها، کشف، درک و دریافت بنیان‌های زندگی اجتماعی همانند تعاون، استقلال، مسئولیت‌پذیری و ... آماده است (ابری، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵) که این امر در این دوره در صورتی به شکل دلخواه تحقق می‌یابد که معلمان و همسالان توان‌تر به کودکان یاری دهند (کرین، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸)؛ زیرا در این زمان کودکان افزون بر زیستگاه خانواده، وارد زیستگاه‌های



گسترده‌تر دیگری همچون مدرسه و داشتن پیوندهای بیشتر با گروه‌های همسالان می‌شوند. در دوره‌ی دوم اطاعت و در آستانه بلوغ، کودک دچار دگرگونی‌های فیزیولوژیکی شدیدی می‌شود. فرزند در این گام بسته به اینکه چه کسی است، از خود اطمینانی ندارد (کرین، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸)؛ از این رو به همانندسازی با گروه‌ها گرایش پیدا می‌کند (کرین، ۱۳۸۹، ص ۳۱۸). این جایگاه پیچیده، پیشامدی برای آزمودن شیوه‌های گوناگون زندگی برای کودکان فراهم می‌آورد تا بر آن شوند که چه الگوهای رفتاری، ارزشی و نگرشی بهتر می‌توانند آنها را برآورده نمایند (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۱۲)؛ از این رو نمایانند و آشنا کردن کودکان با الگوهایی که بهتر می‌توانند چالش‌های وابسته با زندگی اجتماعی‌شان را حل و فصل کنند، سبب می‌شود تا در پیوند با تشکیل خانواده و حل چالش‌های اجتماعی توانمند ظاهر شوند؛ زیرا هنوز در کودکان شالوده‌ها و زیرساخت‌های شخصیتی و اجتماعی به‌گونه‌ی کاملی شکل نگرفته (مرویان حسینی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵) و متأثر از سازه‌های تربیتی هستند؛ بنابراین اگر کودک با نگش به الگوهای فراگرفته شده بتواند در میان گروه‌ها و سازمان‌های خارج از خانواده کارش را به‌درستی و با قدرت انجام دهد، احساس توانمندی خواهد کرد، وگرنه در جایگاهی پیچیده باقی‌مانده و دچار بحران حقارت خواهد شد (کرول و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۵۴۲). خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «إِذْ حَمَّهَا كَمَا رَبَّيْنِي صَغِيرًا» (اسراء، آیه ۲۴) واژه‌ی «صغیر» در آیه به کودکی و ناتوانی برگردانده شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۱۳، ص ۱۱۰)؛ یعنی دوره‌ای از حیات آدمی که در آن فرد نه تنها حقارت مادی دارد؛ بلکه حقارت معنوی نیز داراست (افروغ و دیگران، ص ۱۳۳). به این معنا که در پیوند با چالش‌های زندگی ناتوان است. کودک هنگامی از این حقارت خارج می‌شود که شایستگی‌های معنوی کسب کند که این امر در پیوند با بلوغ اجتماعی، دلالت بر فراگیری نقش‌های اجتماعی، ارزش‌ها، هنجارهای وابسته با ایفای نقش و مهارت‌های اجتماعی دارد. نکته‌ی برجسته‌ای که باید در دوره‌ی اطاعت روی هم رفته بدان نگرست، این است که تربیت اجتماعی باید به‌گونه‌ای باشد که همواره فردیت کودک محفوظ باقی بماند؛ این امر در پرتو پذیرش اصل «مسئولیت اجتماعی» کودک امکان‌پذیر است؛ امری که ما را از هرگونه تربیت انفعالی بسته به کودک بازمی‌دارد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۹).

## ۵. ویژگی‌های مؤثر در فرآیند بلوغ اجتماعی در دوره اطاعت

### ۵-۱. آشنایی با نقش‌های اجتماعی

زندگی انسان‌ها با ناهمگونی‌ها و گوناگونی‌هایی همراه است. در این میان بخشی از [این] ناهمگونی‌ها، زاییده نظام اجتماعی و فرهنگی جامعه است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۶) که نخست به پشتکار و اختیار آدمیان وابستگی تام دارد. دوم به دست سازه‌های بیرونی تقویت یا تضعیف می‌شوند. سوم، از نظام ارزش‌گذاری و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۳) قرآن کریم در پیوند با ناهمگونی‌های مادی و معنوی (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۶، ص ۹۲) در میان

انسان‌ها می‌فرماید: «... وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ...» رتبه بعضی از شما را بالاتر از دیگری گردانید تا شما را در این تفاوت رتبه‌ها بیازماید» (انعام، آیه ۱۶۵). در این آیه وجود حالات و مراتب گوناگون در میان انسان‌ها تصدیق شده است. در آیه‌ای دیگر نیز در پیوند با این پرسمان می‌فرماید: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا»؛ شما را به گونه‌های مختلف آفرید» (نوح، آیه ۱۴). مفسرین در تفسیر گونه‌های گوناگونی که در آیه یاد شده است، بیان داشته‌اند که مراد از آن، ناهمگونی در سن، جنس، رنگ، جاه، مقام و... است. (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ص ۱۵۶)؛ بنابراین افراد در جامعه به سبب سازه‌های گوناگون در منزلت و پایگاه اجتماعی یکتایی قرار نمی‌گیرند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵). همچنین خداوند متعال در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاِخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم، آیه ۲۲). در این آیه از سویی هم به ناهمگونی‌های سرشتین و هم به ناهمگونی‌هایی که کم و بیش دل‌آزرده از سازه‌های بهنجار و نابهنجار است اشاره شده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹)؛ بنابراین ناهمگونی‌های اجتماعی در آموزه‌های اسلامی به رسمیت شناخته شده است. بسته به ناهمگونی‌های اجتماعی پیش از هر چیز باید این نکته را گوشزد کرد که حتی در پیوند با ناهمگونی‌هایی که سراسر وجه سرشتین و جبری دارند، در کیفیت آنها، انسان‌ها می‌توانند کارایی داشته باشند (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۲۶۱). برای نمونه زادروز کودک، گام‌های بهنجار ویژه و یکسانی را طی می‌کند که این گام‌ها در گستره‌ی اختیار افراد قرار نمی‌گیرد؛ اما در چگونگی این گام‌ها، سازه‌ی تربیت کارآمدی ویژه و جدی دارد. به گفته‌ی دیگر تربیت در این نکات برای انسان‌ها قابل انگاشت است و در دیگر ناهمگونی‌ها، چه آنهایی که نیمه‌بهنجار و نیمه اجتماعی هستند و چه آنهایی که سراسر اعتباری و قراردادی‌اند، امر تربیت آنها از راه اولی امکان‌پذیر است. بر این اساس یکی از برجسته‌ترین ناهمگونی‌های اجتماعی، ناهمگونی در وظیفه و نقش‌های اجتماعی است. نقش‌های اجتماعی به‌راستی چشمداشت‌های رفتاری‌ای هستند که از افراد در ایستارهای گوناگون و بر پایه‌ی هنجارها و ارزش‌های جامعه انتظار می‌رود (کوئن، ۱۳۸۷، ص ۸۰). به گفته‌ی دیگر نقش‌های اجتماعی رفتارهایی هستند که افراد جامعه برای شناساندن خود در یک جایگاه منزلتی انجام می‌دهند که فرهنگ و ارزش‌های جامعه، آن رفتارها، نگرش‌ها و انگیزه‌ها را شایسته و بایسته می‌داند و آنها را فروزش می‌کند (کوزر، ۱۳۸۵، ص ۲۷۱). نکته‌ی ارزشمند در پیوند با نقش‌های اجتماعی این است که یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای وابسته با نقش‌های اجتماعی در فرآیند اجتماعی شدن تحقق می‌یابد. به این معنا که کودکان از راه جامعه‌پذیری می‌توانند چگونه رفتار کردن در بافت‌های اجتماعی گوناگون را پاسخ درخور دهند و نقش‌ها و چشمداشت‌های اجتماعی را درونی نمایند (تیم دیلینی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۷). به گفته‌ی دیگر در پیوند با نقش‌های اجتماعی چه متأثر از سازه‌های بهنجار و چه متأثر از سازه‌های نابهنجار، آگاهی و آشنایی بسته به این نقش‌ها، به‌سان بخشی از فرآیند اجتماعی شدن به کودک آموخته می‌شود و سپس او آنها را درونی می‌سازد. کاری که در دوره‌ی کنونی از سوی والدین کمتر مورد نگرش و آموزش قرار می‌گیرد (کوئن،



۱۳۸۷، ص ۸۰)؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از والدین به جامعه‌پذیری نقش‌های اجتماعی درباره‌ی فرزندان، خیلی کمتر حساسیت و نگرورزی نشان می‌دهند که پیامد منفی این کار، دیرکرد در بلوغ اجتماعی ایشان است؛ زیرا افراد همواره در اجرای نقش‌های سپرده شده، کمتر دچار چالش می‌شوند؛ اما در پیوند با نقش‌های اکتسابی باید شخصیت ایشان تا اندازه‌ای پرورش یافته و شکل گرفته باشد (کوئن، ۱۳۸۷، ص ۸۴). نکته برجسته‌تر اینکه در نگاه برخی از اندیشمندان اسلامی، تربیت انسانی (خانه، مدرسه، اجتماع) حتی می‌تواند نقش سازه‌های بهنجار (وراثت) را خنثی و یا کم اثر کند (رفیعی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۸)؛ از این رو در دوره‌ی اطاعت با نگاه به اینکه کودک قادر به درک ناهمگونی‌های اجتماعی است، تربیت دلخواه و درونی کردن هنجارهای وابسته با بلوغ اجتماعی بایستگی دارد. نمونه‌های گوناگونی از آموزش‌های هماهنگ به فراخور ناهمگونی در نقش‌های اجتماعی در آموزه‌های قرآنی و روایی بیان شده است. در قرآن کریم یکی از نقش‌های مردانه را قوامیت (نساء، آیه ۳۴) و یا نقش سرپرستی و مدیریت مطرح می‌کند و در پیوند با نقش‌های زنان، سهم ایشان را در تداوم نسل و تربیت (بقره، آیه ۲۲۳) گوشزد می‌نماید. در روایات نیز به این ناهمگونی‌ها و کیفیت نقش والدین در درونی کردن آنها اشاره شده؛ از جمله روایتی که از امام کاظم علیه السلام نقل شده است: «يُحَفِّظُ الْأَطْفَالَ بِصَلَاةِ آبَائِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۲۳۶). در این روایت رفتار کودکان در اثر صلاحیت‌های والدین نگاهداشته می‌شود. یکی از شایستگی‌های رفتاری والدین، انجام درست نقش‌های اجتماعی است که فرزندان از راه همانندسازی و الگوگیری (شرفی، ۱۳۸۹، ص ۴۹) آنها را فرامی‌گیرند و از این راه توانایی انجام و اجرای شایسته‌ی نقش‌های اجتماعی و تشکیل خانواده را کسب می‌کنند. در فراروی اگر والدین در پیوند با تربیت اجتماعی فرزندان شایستگی‌های رفتاری نداشته باشند و برای نمونه دچار جابجایی نقش، تعارض نقش و... شده باشند، در فرآیند بلوغ اجتماعی فرزندان خلل و کاستی ایجاد می‌کنند. اگر در خانواده‌ای، پدر نقش مادر و مادر نقش پدر را ایفا کند، فرزندان دچار چالش می‌شوند (جان بزرگی، ۱۳۹۳، ص ۳۳)؛ زیرا پدر و مادر هر يك نقش‌های ویژه‌ی خود را دارند. مادری که تلاش می‌کند وظایف پدر را جبران کند، هم نقش مادری را خوب انجام نمی‌دهد و هم نقش پدری را ویران می‌کند. برعکس اگر پدری نقش يك مادر مهربان را به خود گیرد، هم نقش مادری را سست می‌کند و هم جایگاه پدری را در نظام روان‌شناختی کودک لزان می‌کند (جان بزرگی، ۱۳۹۳، ص ۳۳)؛ بنابراین چنین کودکانی، چه دختر چه پسر در فرآیند بلوغ اجتماعی دچار چالش می‌شوند؛ زیرا در نقش‌های اجتماعی خود به گونه‌ای شایسته جامعه‌پذیر نشده‌اند. برجسته‌تر اینکه تعهدات فرزندان بسته به رمزهای فرهنگی، شیوه‌ی انجام نقش و نظم دادن به عواطف، در کنش دوسویه‌ی بلندمدت شکل می‌گیرد (ترنر، ۱۳۷۸، ص ۱۷۸) که این جستار در وهله‌ی نخست ارزش خانواده و بویژه والدین را همچون دیگران برجسته و در وهله‌ی دوم همسالان و نظام آموزش و پرورش را در تربیت اجتماعی فرزندان؛ یعنی آگاه کردن ایشان به ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و نقش‌های اجتماعی بیان می‌نماید (پناهی، ۱۳۹۱، ص ۳۹-۱). از این دیدگاه شاید بتوان گفت که در



صورت تحقق دلخواه جامعه‌پذیری بر پایه‌ی ارزش‌ها و هنجارها، در این صورت نخستین گام عملی برای راهیابی به هویت جمعی، تشکیل خانواده خواهد بود (طباطبایی، ج ۴، ص ۹۳-۹۲)؛ یعنی گامی که در آن بلوغ اجتماعی به دست ازدواج در جامعه تأیید می‌شود (فولادی، ۱۳۹۳، ص ۹۰).

## ۲-۵. آشنایی با مهارت‌های اجتماعی

آموزش در گام کودکی به سبب اینکه بر سر راه شناخت، پذیرش و گرایش فرزند، مانع درونی و بیرونی وجود ندارد، در ژرف‌ترین لایه‌های وجودی فرزند رخنه می‌کند (علاسوند، ۱۳۸۷، ص ۱۸). حضرت امیر در نامه‌ی ۳۱ نهج البلاغه به فرزندشان می‌فرماید: «...فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَسُوَ قَلْبُكَ...» به تربیت تو اقدام کردم، قبل از آنکه قلب تو سخت گردد. «قلب در فرمایش بالا همچون کانون شناخت، عواطف و احساسات در حالت نخستین خود، استعداد پذیرش بالایی دارد (آذربایجانی، شجاعی، ۱۴۰۰، ص ۷۶) که این باورپذیری نیرومند زمانی است که والدین باید آن را برای آموزش مهارت‌های زندگی به فرزندان خود معتم شمارند؛ زیرا با رشد جسمانی و اجتماعی، چشمداشت جامعه و خانواده از فرد نوجوان و جوان افزایش می‌یابد، به‌گونه‌ای که آنها می‌پذیرند به سبب زندگی اجتماعی باید بخشی از دلبستگی‌های خویش را کران‌مند نمایند و در چارچوب هنجارهای اجتماعی و گروهی قرار گیرند. در این راستا نوجوانانی که شیوه‌های درست رفتاری را فرا نگرفته باشند و مهارت‌های بایسته را در راستای برابرسنجی خود با خانواده و جامعه، کسب نکرده باشند، دچار آسیب‌هایی چون دیرکرد در بلوغ اجتماعی، انحرافات اجتماعی و... خواهند شد (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۱۴). پژوهش‌ها نشان داده است، کودکانی که مهارت‌های اجتماعی را فرامی‌گیرند، در رویارویی با چالش‌های زندگی منطقی‌تر، باکفایت‌تر و ماهرانه‌تر عمل می‌کنند (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۵۵). برای نمونه توانایی دیرکرد در ارضای خواسته‌ها در دوره‌ی کودکی کسب می‌شود و در بزرگسالی افزایش می‌یابد. به‌راستی یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی بلوغ اجتماعی، همین قدرت انجام‌وظیفه در شرایط تقویت با درنگ است (احمدی، ۱۳۹۹، ص ۵۵).

مهارت‌های اجتماعی دامنه‌ی گسترده‌ای از رفتارها همچون توانایی پیوند با دیگران، حل چالش، تصمیم‌گیری، خودمدیریتی و... است (جان بزرگی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸)؛ اما آنچه در پیوند با بلوغ اجتماعی فرزندان ارزش دارد، مهارت‌های اجتماعی برای تشکیل زندگی و هم‌کنشی شایسته در جامعه است. برای نمونه یکی از مهارت‌های برجسته در زندگی، داشتن قدرت تصمیم‌گیری است که در فرآیند تربیت اجتماعی درونی می‌شود. در این باره خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام آموزش می‌دهد که چگونه و با چه کیفیتی تصمیم‌گیری نماید. چنان‌که می‌فرماید: «به برکت رحمت الهی، با آنان نرم‌خو و پرمهر شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، بی‌گمان از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن و چون تصمیم‌گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا



خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد» (آل‌عمران، آیه ۱۵/۹) از این آیه و آیات دیگر به دست می‌آید که تصمیم‌گیری باید کنشگرانه و بر پایه‌ی مشورت و آگاهی از حقایق و ارزیابی جایگاه باشد که خداوند متعال این مهم را به پیامبر رحمتش آموزش می‌دهد (حسینی همدانی، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۲۴۴). این پرسمان در پیوند با یادگیری تصمیم‌های منطقی و درست کودکان، که در آینده با لحظه‌های سخت و مهمی در زندگی روبرو می‌شوند، نیازمند آموزش و نشان دادن معایب و محاسن، میزان کارآمدی یک پرسمان در زندگی و... به دست خانواده است (ماریانا، ۱۳۹۳، ص ۲۰۶)؛ از این رو یادگیری مهارت‌های اجتماعی، پیش‌نیاز آمادگی در جامعه است. کودکانی که مهارت‌های اجتماعی را به‌خوبی یاد می‌گیرند، پیوندهای مستحکمی را در گستره‌ی جامعه و تراز بالایی از سازگاری را از خود نشان می‌دهند (محمدی نصرآباد، ۱۳۹۸، ص ۱۸۳)؛ از این رو در دوره‌ی اطاعت فرآیند آموزش مهارت‌های اجتماعی به دست خانواده (جان بزرگی، ۱۳۹۳، ص ۳۷) باید به‌آهستگی مورد نگرش و آگاهی قرار گیرد تا فرزندان به بلوغ اجتماعی برسند. به گفته‌ی دیگر برای اینکه نسل جوان بتواند در بزنگاه با آن بخش از دانش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها و باورهای پیشینیان که سودمندی عام دارد و در کیفیت زندگی آدمیان از هر دسته و صنفی کارآمد است آشنا شود و آنها را در مدتی معقول به حساب خود ارزیابی، تصویب و از آن خود کند باید تدابیر مقتضی اتخاذ شود؛ یعنی برای آموزش و یادگیری آن بخش از سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی که شرط داشتن یک زندگی اجتماعی موفقیت‌آمیز است، باید از پیش برنامه‌ریزی و تدبیر اندیشیده شود (شکوهی، ۱۳۹۶، ص ۴۶). فرزندان که نتوانسته باشند این سرمایه‌های اخلاقی و اجتماعی را در خود درونی نمایند و به امیال، دلبستگی‌ها و توانایی‌های خویش شکل و ساختمانی هماهنگ با نظام ارزشی و اخلاقی جامعه ندادند، در تشکیل خانواده، کسب بلوغ اجتماعی و زندگی در اجتماع پیچیده دچار دیرکرد و چالش می‌شوند.

### نتیجه‌گیری

کودک در دوره‌ی اطاعت آماده پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای وابسته با بلوغ اجتماعی است. سازه‌های کارآمد در این امر با فهم این پرسمان، باید دوران اطاعت و تأدیب را به‌گونه‌ای مورد نگرش و برنامه‌ریزی قرار دهند تا فرزندان نقش‌ها و مهارت‌های اجتماعی را به‌گونه‌ی شایسته فرا گیرند؛ زیرا فراگیری این دو زمینه سبب می‌شود تا فرزندان در دوره‌ی جوانی بسته به مسئولیت‌ها و وظایف اجتماعی خویش به‌گونه‌ای توانمند عمل نمایند. پیامد مثبت این امر ازدواج بهنگام جوان و پذیرش دیگر مسئولیت‌های اجتماعی است. در فراروی اگر فرزندان توانمند تربیت نشوند و هنجارهای وابسته با ایفای نقش و مهارت‌های اجتماعی به‌درستی به ایشان آموزش داده نشود، کودک در آینده در میان گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی نمی‌تواند کارش را به‌درستی انجام دهد و از این روی احساس ناتوانی و حقارت در وجود او گسترش می‌یابد.



## منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

الف) کتب

۱. آذربایجانی، مسعود و شجاعی، روان‌شناسی در نهج البلاغه، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۴۰۰
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه‌ی محمد پروین گنابادی، تهران، نشر شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ق
۴. ال اتکینسون، رینا، روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه‌ی محمدتقی براهنی، تهران، نشر رشد، ۱۳۷۸
۵. احمدوند، محمدعلی، بهداشت روانی، تهران، نشر پیام نور، ۱۳۹۹
۶. اخوان الصفاء، رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، قم، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳
۷. احمدی، محمد سعید و جعفری، قاسم، مهارت‌های زندگی اسلامی، تهران، نشر آوای نور، ۱۳۹۹
۸. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، نشر مدرسه، ۱۳۸۸
۹. ترنر، اچ جاناتان، ترجمه محمد فولادی و محمد عزیزی، قم، نشر مؤسسه‌ی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸
۱۰. تیم دیلینی، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی، وحید طلوعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۷
۱۱. جمعی از نویسندگان، تاریخ تفکر اجتماعی در اسلام، نشر سمت، ۱۳۹۵
۱۲. جوادی آملی، جامعه در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۹۱
۱۳. جان بزرگی، مسعود، آموزش اخلاق، رفتار اجتماعی و قانون‌پذیری به کودکان، تهران، نشر ارجمند، ۱۳۹۳
۱۴. حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، حقوق تربیتی کودک در اسلام، قم، نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه‌ی آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ ق
۱۶. حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، نشر مسلم، ۱۳۷۵
۱۷. ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، بیروت، دارالقلم، ۱۴۰۷ ق
۱۸. رفیعی، بهروز، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، نشر سمت، ۱۳۸۱، تهران
۱۹. رشیدپور، مجید، آموزش خانواده، تهران، نشر انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳
۲۰. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، نشر سروش، ۱۳۸۹
۲۱. شکوهی، غلامحسین، مبانی و اصول آموزش و پرورش، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۹۶
۲۲. شکوهی، غلامحسین، امکان تربیت آدمی، نشریه‌ی پیوند، شماره ۹۹، ۱۳۶۶
۲۳. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه، ترجمه جلال‌الدین آشتیانی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۰
۲۴. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه‌ی محمدباقر موسوی همدانی، قم، نشر علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۶۷





۲۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر المیزان، ترجمه‌ی مکارم شیرازی، قم، نشر علمی و فرهنگی علامه طباطبایی، ۱۳۷۰
۲۶. علاسوند، فریبا، مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، تهران، نشر سروش هدایت، ۱۳۸۷
۲۷. غزالی، ابو حامد، احیاء علوم الدین، ربع منجیات، ترجمه‌ی مؤیدالدین محمد خوارزمی، نشر علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰
۲۸. قائمی، علی، حدود آزادی در تربیت، تهران، نشر انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۹
۲۹. کرین، ویلیام، نظریه‌های رشد، ترجمه‌ی غلامرضا خوی نژاد و علیرضا رجایی، تهران، نشر رشد، ۱۳۸۹
۳۰. کوئن، بروس، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی غلامعباس توسلی، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۷
۳۱. کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه‌ی فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵
۳۲. کتی، ماریانا، رشد مهارت‌های اجتماعی، رفتاری و هیجانی کودک، ترجمه‌ی دکتر مژگان حیاتی، تهران، نشر دانژه، ۱۳۹۳
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰
۳۴. مطهری، مرتضی، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۶
۳۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از منظر قرآن، نشر بین‌الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق
۳۷. مرویان حسینی، سید محمود، کودک و نوجوان و تربیت جنسی، مشهد، نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵
۳۸. نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد، اخلاق ناصری، نشر خوارزمی، ۱۳۷۴
۳۹. نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، قم، نشر مؤسسه‌ی آل‌البیت، ۱۳۶۹
۴۰. وید کرول و دیگران، روان‌شناسی عمومی، ترجمه‌ی دهقانی و دیگران، تهران، نشر رشد، ۱۳۹۷

### ب) مقالات

۴۱. ابری، ساره و حاج یوسفی، علی، مقایسه رشد اجتماعی کودکان ۳ تا ۶ سال برخوردار و محروم از خدمات روستا مهدها، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۱۱، شماره ۴۱، ۱۳۹۰
۴۲. شجاعی، محمدصادق، نظام تحول روانی از تولد تا مرگ بر پایه منابع اسلامی، دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی روان‌شناسی فرهنگی، شماره ۲، ۱۳۹۹
۴۳. سلیمان‌نژاد، اکبر و سودی، حورا، بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی از طریق قصه‌های قرآنی بر کودکان، فصلنامه علمی پژوهشی روان‌شناسی و دین، سال ۷، شماره ۲۶، ۱۳۹۳
۴۴. قائمی مقدم و دیگران، بررسی مراحل تحول بر اساس منابع اسلامی، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی روان‌شناسی و دین، سال ۸، ۱۳۹۴

۴۵. پناهی، محمدحسین و دیگران، سلامت خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه‌ی علمی پژوهشی علوم اجتماعی، شماره ۵۹، ۱۳۹۱
۴۶. محمدی نصرآباد، محدثه و دیگران، اثربخشی آموزش ارزش‌های اخلاقی، دو فصلنامه‌ی علمی پژوهشی تفکر و کودک، سال ۱۰، ۱۳۹۸